

ادامه از صفحه ۲

غلبه حواشی بر متن در یک سفر

آیا شرایطی بدتر از این هم برای این سفر می‌توان متصور بود که «پیام کتبی» رهبر معظم انقلاب به رئیس دوما داده شده و تازه با افتخار هم گفته شود: «به محض پایان ملاقات، پیام را به پوتین می‌رساند و آن را حتی در مصاحبه مطبوعاتی از خود جدا نکرد». نکته‌ای که مصطفی میرسلیم هم به‌درستی گفت: «مقامات ارشد کشور موظفانند قبل از سفرهای رسمی خود تمام بررسی‌های تشریفاتی را بکنند تا نظام ما هزینه تبلیغات جاه‌طلبانه نشود».

آشنی که اطرافیان قالبیاب پختند، آن چنان شور بود که حتی جناح همسو با رئیس مجلس نیز برنتابید. رجانیزو این اقدام را «ذوق‌زدگی و دستپاچی اطرافیان» قالبیاب توصیف و تأکید می‌کند که تیم قالبیاب «چگونه برای کشور هزینه می‌تراشد». مدیرمسئول کیهان نیز در شبکه افق تأکید می‌کند: «سفر آقای قالبیاب به روسیه سفری کاری و به دعوت مسکو است. بحث انتقال پیام هدف اصلی این سفر نبوده، بلکه به اهداف این سفر اضافه شده است.» شرعیتمداری با صراحت تأکید کرد که «این موضوع را با اطلاع» بیان می‌کند.

آقای امیرعبداللهیان بهتر از راقم این سطور می‌داند، روش صحیح و مرسوم در این‌گونه موارد،

ارزانی از مجاری رسمی (وزارت امور خارجه و سفارت ایران در کشور مربوطه) بود. در این حالت

کنترل امور در دست «خودی» است. در صورت پاسخ مثبت طرف پذیرنده و قطعیّت «تحویل پیام» به مخاطب اصلی، می‌توان آن را رسانه‌ای کرد. در صورت اطمینان‌نداشتن نیز می‌توان تصمیم مقتضی و اتخاذ و سفر به دیدار با همتا و مذاکره درباره موضوعات از قبل طراحی‌شده را محدود کرد. اگر چه نزدیکان قالبیاب عدم ملاقات با پوتین را از «مس‌کاری» وزارت خارجه اعلام کرده‌اند، اما سخنگوی این وزارت در واکنش به این اتهام گفت: «از ابتدا هم قرار نبوده است دیداری با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه و آقای قالبیاب انجام بگیرد و آقای قالبیاب از این موضوع مطلع بوده است». مشکل قالبیاب نگاه پرنگ او به «باستور» است. او در همه حرکات و سکنات خود را با عینک ریاست‌جمهوری تنظیم می‌کند. در سه مارتن قیلی شکست خورده و هنوز رؤیای جلوس بر صندلی یاستور را از سر بیرون نبرده و برای دستیابی بر آن این‌گونه برای کشور هزینه‌تراشی می‌کند.

معمول این است که سیاستمداران عرض و جان خود را برای حفظ و حراست کشور هزینه می‌کنند نه بالعکس. تاریخ معاصر ایران از این شخصیت‌ها کم به خود ندیده که در حساس‌ترین مقاطع تاریخ به میدان آمده و کشتی توفان‌زده کشور را به ساحل نجات رسانده‌اند. نگاه به روسیه توسط نائب‌السلطنه‌ها، سنتی «فجری» است که قرن‌هاست منسوخ شده است.

ادامه از صفحه ۲

خیز اصولگرایان برای صندلی شهردار

گزینه آخر، مجتبی‌ی عبداللهی است. اما او کیست؟ سال ۹۵ در تصمیمی ناگهانی چهار معاون شهردار وقت تهران تغییر کردند.

میثم امرودی از معاونت اجتماعی کنار گذاشته شد و یار صمیمی محمدباقر قالبیاب از معاونت خدمات شهری به این معاونت آمد. حضور عجیب مجتبی عبداللهی که سابقه کاری‌اش نسبتی با معاونت همیشه بحران‌زده اجتماعی نداشتن، این انتصاب را به فهرست انتصاب‌های انتخاباتی شهردار پیشین تهران اضافه کرد.

اسکان‌نیوز چندی قبل نوشته بود: «بر اساس نامه‌ای که اخیراً به شهردار تهران ارسال شده، وضعیت این معاونت در سال‌های ۹۵ و ۹۶ تشریح شده است. در این گزارش اشاره شده که معاونت امور اجتماعی و فرهنگی به‌صورت نتخواه‌گردان اداره می‌شود و در امور مالی معاونت هیچ‌گونه انسجامی وجود ندارد. اداره کل امور مالی شهرداری، نظارت مستقیم و مؤثری بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات این معاونت ندارد که این موضوع، زمینه بروز خسارت را فراهم کرده است. عدم تسویه تخواه پرداختی به معاونت مذکور به میزان ۲۸۰ میلیارد ریال از سال ۱۳۹۴ تاکنون، مؤید این مطلب است.

در این نامه به قراردادهای اداره کل برنامه‌ریزی و دفتر مطالعات معاونت اجتماعی و فرهنگی هم پرداخته شده است. در این اداره دو فقره قرارداد مطالعاتی جمعاً به ارزش ۱۷ میلیارد ریال منعقد شده است و خدمتی از بابت قراردادهای ارائه نشده « مجتبی عبداللهی بعد از آمدن تیم جدید در سال ۹۶ از شهرداری تهران رفت و مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان تهران شد!

شرق

سیاست

نامه «آخوندی» به «حناچی» درباره «اکباتان»

- نظام حکمروایی شهری محله محور را بپذیرد



نه به‌عنوان یک اداره تمام‌عیار، تابع وزارت کشور هستند و وزارت کشور حاضر به پذیرش مسئولیت در برابر آنهاست و نه به‌صورت یک نظام حکمروایی مستقل شهری عمل می‌کند.
ازاین‌رو شهرداری‌ها در اکباتان به یک ناحیه شهرداری را مطرح کرده است. او در توضیح این‌نامه نوشته است: «هنگامی که در ۲۰ تهران ۱۳۹۷ به‌عنوان نامزد تصدی سمت شهردار تهران در شورای این شهر سخن‌گفتم، بحتم این بود که برای اینکه تهران را تهران کنیم، باید نظام حکمروایی شهری و انتخاب شهردار مستقل را محور قرار دهیم. این یک شعار زیبا نبود. این تغییر نگاه بنیادین برای افزایش کارایی و کارآمدی سازماندهی نظام امور شهری در تهران و ایران بود.»

آخوندی همچنین تنها راه‌کار تأمین حقوق شهروندی را جلوگیری از شهرفروشی و مشارکت‌دادن واقعی مردم در مستقیم‌ترین امور مربوط به زندگی روزمره‌شان می‌داند و دراین‌باره می‌گوید: «استقرار نظام حکمروایی شهری از کوچک‌ترین سازمان‌های اجتماعی شهری که محله است، باید باشد. گرہ استقرار نظام مردم‌سالاری و پذیرش حاکمیت ارائه ملی از همین‌جا گشوده می‌شود. بدون دموکراسی شهری، سخن‌گفتن از دموکراسی ملی بهره‌وری اندکی دارد.» او که ۱۴ بهمن همین اسامل از اکباتان بازدید داشته و با هیئت‌مدیره مرکزی این مجتمع سخن‌گفته، در نامه‌ای به «پیروز حناچی» پیشنهاد تبدیل ایلاتان به یک ناحیه شهری و واگذاری اداره امور این ناحیه شهری به ساکنان آن را داده است. وزیر پیشین راه‌وشهرسازی در این نامه خطاب به شهردار تهران پیشنهاد کرد که شهرداری می‌تواند اکباتان را در قالب یک محله با یک ناحیه شهری مستقل تعریف کند. اداره امور ناحیه را به نمایندگان محله که همان هیئت‌مدیره مرکزی مجتمع است، واگذار کند و خود در حکم هماهنگ‌کننده کل شهر نقش ایفا کند. به جای آنکه شهرداری رودرویی مردم بایستد، چه بهتر که نظام حکمروایی شهری محله‌محور را بپذیرد و خود در کنار آنان قرار گیرد. آخوندی که مدرس دانشگاه تهران هم هست، در یادداشتی با تیتز «حکمروایی و توسعه شهری - نمونه موردی: مجتمع مسکونی اکباتان» هم مواردی دراین‌باره نوشته است. در این یادداشت آخوندی آمده است: «نظام حکمرانی شهری در ایران از ناکارآمدی سخنی رنج می‌برد. درحالی‌که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۷۴ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند، ایران همچنان فاقد هیئت‌مدیره مرکزی مجتمع است. در عمل شهرداری‌ها به‌صورت ادارات نیمه‌مستقل استناداری‌ها، تابع وزارت کشور هستند. این در حالی است که تقریباً در اکثر کشورهای جهان نظام حکمروایی شهری استقرار یافته و به‌صورت مستقل از نظام حکمروایی ملی ولی در ادامه و هماهنگ با آن، امور محلی و شهری را سازمانت و نظم می‌دهند. با تشکیل شوراهای اسلامی شهرها، انتظار می‌رفت که نظام حکمروایی شهری در ایران نیز پا بگیرد؛ اما در عمل با مقیدشدن اختیارات آنها، شهرداری‌ها همچنان به‌صورت ملحق و بلاتکلیف در حوزه نفوذ و مسئولیت وزارت کشور باقی ماندند. ازاین‌رو در وضعیت فعلی، اداره امور شهرها

سعید حجاریان در یادداشتی مطرح کرد

ترمز را بکشید!

مشق نو: سعید حجاریان در یادداشتی نوشت: «اهل اندیشه، یکی از سرچشمه‌های مارکسیسم را سوسیالیسم تخیلی می‌دانند. سوسیالیسم تخیلی بیشتر ریشه فرانسوی دارد و افرادی مانند اوئن و فوریه مدیع آن بوده‌اند. البته، تامس مور نیز با کتاب مشهور آرمانشهر به این موضوع ورود داشت که مباحث وی نزد خوانندگان ایرانی آشناتر می‌نماید. منظور از سوسیالیسم تخیلی که مارکس آن را جزء ذخایر تئوریک خود می‌دانست، آن است که می‌توان روی زمین بهشتی جاودانه ساخت که در آن بی‌عدالتی، بی‌سوادی، بی‌کاری و… وجود نداشته باشد و همه‌چیز به‌صورت اشتراکی تولید و مصرف شود. طرح این خواسته‌های حداکثری، کامابیش تخیلی بودن این ایده را نمایان می‌کند؛ بهشت‌سازان ناموفق!».

او در این یادداشت ادامه داد: «پروژه آنها ناموفق بود؛ زیرا اولاً امکان‌پذیر و ثانیاً عقلانی نبود. اما به هر ترتیب مارکس تلاش داشت این ایده‌ها را بهبود دهد و به ساحت اجرا وارد کند. اما با گذشت زمان و برخی ازامون‌ها ازجمله کامیوج، شوروی، چین و امثالهم محرز شد که این مسیر همچنان به ناکآبادی رهنمون می‌شود؛ حتی اگر بخواهیم



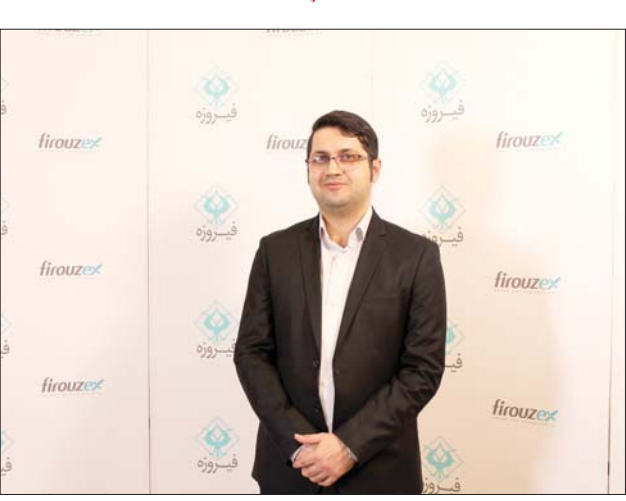
شهروند و فعال اجتماعی و حرفه‌ای که تمایل به همکاری داشته باشد، درباره حکمروایی شهری با تکیه بر هویت محله‌ای بنویسیم و با هم گفت‌وگو کنیم و گاهی در راستای بهبود نظام امور شهری ایران برداریم.» علاوه‌براین آخوندی در ادامه گزارشی از این بازدید هم نوشته که نسخه‌ای از آن در اختیار «شرق» قرار گرفته است. در بخشی از این گزارش آمده است: «روز ۱۳۹۷/۱۱/۱۴ توفیقی دست داد تا از اکباتان بازدید داشته باشم. نشست صمیمانه و آموزنده با هیئت‌مدیره مرکزی مجتمع به اتفاق تعدادی از فعالان ساکن در آن داشتم. از این بازدید دو هدف را پی می‌گرفتم؛ یکی آزمون آنکه تا چه حد نظام حکمروایی شهری محله‌محور می‌تواند عملیاتی و کارآمد باشد و دوم آنکه زنان حتی زنان خانه‌دار که به‌ظاهر فاقد فعالیت حرفه‌ای هستند، چه نقشی در سازمان اجتماعی محله و توسعه آن می‌توانند داشته باشند. این بازدید هر دو نظریه ابتدایی می‌را تأیید کرد و من را مصمم به ترویج هر دو اندیشه کرد. میزان من سرکار خانم تریزی، رئیس هیئت‌مدیره مرکزی بلوک‌های مسکونی و دبیر شوراییاری اکباتان بود. در بدو ایشان حاضران را معرفی کرد. حاضران در جلسه حدود ۱۸ تا ۲۰ فرد بودیم. جلسه به محض تشکیل با گلابه‌های سخت هیئت‌مدیره مجتمع از نحوه رفتار سازمان آب تهران و مبالغی که بابت حق‌النظره جاهه‌های مجاز اکباتان مطالبه می‌کند، آغاز شد و با ذکر داستان به‌یغمارفتن فضاهای سبز و عرصه‌های عمومی پیش‌بینی‌شده در مجتمع که به نائق ازسوی شهرداری در سال‌های پیشین به یک‌سری اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی فروخته شده است، ادامه یافت. بحث این بود که تنها یک فقره آن واگذاری ۲۰ هزار مترمربع زمین سبز

- پیشنهاد تبدیل اکباتان به یک ناحیه شهرداری

میانی شهرک که برای فضای سبز شهرک پیش‌بینی شده و همه مالکان به‌طور مشاع در آن حق مالکیت داشته‌اند، از سوی شهرداری بدون حق و اجازه مالکان آن به‌عنوان جذب سرمایه‌گذاری خارجی به یک گروه سرمایه‌گذاری شبه‌خصوصی بود. از نظر آنان، این فروش در حکم فروش مال غیر و دخل و تصرف در اموال اشخاص محسوب می‌شد. کله‌گزارهای ادامه داشت و شامل خدمات عمومی و دیگر حوزه‌ها نیز می‌شد». بخشی از این گزارش عضو هیئت علمی دانشگاه تهران به‌گت‌وگو با مردم اختصاص دارد که دراین‌باره آمده است: «من هرچه بیشتر به سخنان آنان دقت کردم و مشاهداتی که در جریان قدم‌زدن در اکباتان و سخن‌گفتن با برخی کاسبان و مردم داشتم، به این نتیجه رسیدم که فاصله زیادی بین ساختار شهرداری و سازمان اجتماعی مجتمع وجود دارد. بدون آنکه بخواهم با یک بازدید بر تمام سخنانی که شنیدم، صحه بگذارم، بر این امر می‌خواهم تکیه‌کنم که اکباتان با حدود ۴۵ هزار نفر جمعیت، با توجه به نوع ارتباطات درونی و مرزهای فیزیکی و اجتماعی که دارد، از نظر تعریف، حکمروایی شهری محله‌میان است؛ بنابراین شهرداری می‌تواند آن را در قالب یک محله با یک ناحیه شهری مستقل تعریف کند. اداره امور ناحیه را به نمایندگان محله که همان هیئت‌مدیره مرکزی مجتمع است، واگذار کند و خود در حکم هماهنگ‌کننده کل شهر نقش ایفا کند. به جای آنکه شهرداری رودرویی مردم بایستد، چه بهتر که نظام حکمروایی شهری محله‌محور را بپذیرد و خود در کنار آنان قرار گیرد. شهرداری به جای آنکه خود موضوع تعارض باشد، چه بهتر که در اختلافات و موارد تعارض منافع، در جای داور بایستد. پس از بازدید، پیشنهاد فوق را در نامه‌ای به طور رسمی به جناب حناچی، شهردار محترم تهران، پیشنهاد دادم. امیدوارم که موضوع مورد تأیید ایشان و شهرداری قرار گیرد و این موضوع تبدیل به نمونه‌ای موفق برای تسری به سایر محله‌های شهری و سایر شهرهای ایران شود. البته در عمل، نیاز به دقت‌های فراوان و رفع کسری‌های احتمالی است. خوب است که دراین‌باره بیشتر با هم گفت‌وگو کنیم.» در این نامه هم بخشی از گزارش بازدید آخوندی از اکباتان آمده و در ادامه پیشنهاد تبدیل اکباتان به یک ناحیه شهرداری و واگذاری مدیریت آن به ساکنان آن منطقه به‌عنوان یک راه‌کار عملی مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی وضعیت شرکت‌های کوچک و بزرگ در بورس

مجید علیفر، کارشناس ارشد سرمایه‌گذاری گروه مالی فیروزه



این گزارش چکیده‌ای از تحلیل‌های سرمایه‌گذاری کارشناسان بخش مدیریت دارایی و سبدگردان گروه مالی فیروزه است که در کمیته‌های تخصصی سرمایه‌گذاری و مدیریت سبد

ارزایی می‌شود. شاخص‌های مختلفی در بورس وجود دارد که هدف از ایجاد این شاخص‌ها ارائه یک دید کلی و خلاصه است. در محاسبه شاخص قیمت وزنی ارزشی از میانگین وزنی سهام شرکت‌ها استفاده می‌شود و تفاوت آن با شاخص کل در

سود تقسیمی است؛ چراکه این شاخص قیمت سودهای تقسیمی را لحاظ نکرده است. در محاسبه شاخص قیمت هم‌وزن از میانگین ساده بازده سهام شرکت‌ها استفاده می‌شود و تفاوت آن با شاخص قیمت وزنی ارزشی در این است که وزن‌ها با هم برابر در نظر گرفته می‌شود. تعداد شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار حدود ۳۷۰ شرکت، با ارزش حدود ۴۰۰۹ هزار میلیارد تومان در تاریخ پنجم بهمن ۱۳۹۹ است که حدود ۲۰۰۷ هزار میلیارد تومان یعنی حدود ۵۷ درصد کل ارزش بازار را ۲۰۰ شرکت بزرگ و نیز ارزش ۴۰۸ هزار میلیارد تومان یعنی حدود هشت درصد ارزش کل بازار را ۲۰۰ شرکت کوچک‌تر تشکیل می‌دهند. اگر قیمت شرکت‌های بزرگ (به‌عنوان مثال ۳۰ شرکت بزرگ) افزایش یابد و قیمت سهم‌های کوچک‌تر (به‌عنوان مثال ۲۰۰ شرکت کوچک‌تر) کاهش یابد، شاخص قیمت وزنی ارزشی افزایش و شاخص قیمت هم‌وزن کاهش می‌یابد. نسبت شاخص قیمت هم‌وزن به شاخص قیمت وزنی ارزشی (شاخص هم‌وزن به وزنی) نشان‌دهنده ارزش نسبی سهام کوچک‌تر به سهام بزرگ‌تر است. به‌عنوان مثال اگر قیمت سهام کوچک‌تر افزایش یابد و قیمت سهام بزرگ کاهش یابد، نسبت شاخص هم‌وزن به وزنی افزایش می‌یابد و برعکس.

در بررسی‌ای که داشتیم، شاخص هم‌وزن

سه شنبه • ۲۸ بهمن ۱۳۹۹

گذر

جهانگیری:

مهم‌ترین جهت‌گیری پس از دوران تحریم افزایش صادرات است

● **ایسنا:** معاون اول رئیس‌جمهوری در دهمین جلسه شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی کشور با اشاره به حادثه آتش‌سوزی در پایانه مرزی اسلام‌قلعه گفت: «کشورهای افغانستان عراق جزء بزرگ‌ترین بازارهای هدف صادراتی ایران هستند که بیشترین حجم صادرات به این کشورها انجام می‌شود و باید برای تداوم روند تجارت خارجی دو کشور، همه امکانات لازم برای سازماندهی و تجهیز مجدد این مرز را به‌کار بگیریم». اسحاق جهانگیری افزود: «مرزهای زمینی مهم‌ترین مسیر صادرات و واردات به کشور به‌ویژه در دوران تحریم بوده و ضروری است در تعامل و همکاری با کشور افغانستان به آسیب‌های ناشی از این حادثه و بازگشایی مرز دوقارون در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی کنیم». جهانگیری افزود: «آنچه باعث شد اقتصاد کشور متوقف نشده و تولید و واردات کالا انجام دهد، هم‌کردنندگان و واردکنندگان کشور بود که باید همواره از آنان حمایت و قدرانی شود؛ البته ممکن است در کنار هر بخشی، برخی سوءاستفاده‌ها انجام شود که باید مطابق قانون با آن برخورد شود». او گفت: «حمتا مهم‌ترین جهت‌گیری اقتصاد کشور پس از عبور از دوران تحریم، افزایش صادرات کشور است و باید همه مردم و فعالان اقتصادی بدانند اگر برخی مقررات در دوران تحریم مطابق شرایط جنگ اقتصادی تدوین شد، دولت طرفدار رفح محدودیت برای صادرکنندگان کالااست و به‌جز موانع تعرفه‌ای و فنی نباید مانع دیگری بر سر راه صادرات و واردات کشور باشد». جهانگیری با اشاره به اینکه قوانین مربوط به تجارت باید شفاف و روشن باشد تا فعالان این بخش بتوانند به‌خوبی آینده فعالیت خود را پیش‌بینی کنند، عنوان کرد: «فعالان این عرصه بدانند هیچ مسئول و کارشناسی نمی‌تواند برای فعالیت سالم آنها محدودیت ایجاد کند. قطعاً تصمیماتی که در دوره جنگ اقتصادی اتخاذ شد، در شرایط عادی برطرف خواهد شد. همه قوانین باید در خدمت صادرکنندگان کالا و خدمات باشد».